



PANART

PANART, Visual Arts Magazine, 29th Issue, May 2015

پان آرت، ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی
نسخه بیست و نهم، اردیبهشت ماه نود و چهار

موزه‌های جهان: موزه ملی مکزیک

صفحه آزاد: خط کوفی مربع

بسته بندی: عسل طبیعی

اینستالیشن: دریایی از کف

حرفه؛ هنرمند: عطیه ضیغمی

و نیز مصاحبه با هنرمندان دیگر:
هانای نجم، وحید عزت پناه، محمد شمس





هر ماه چهار هنرمند

معرفی در مجله ، سایت فارسی و لاتین گروه پان آرت

www.panart.ir | info@panart.ir





PANART

PANART, Visual Arts News Network

شبکه خبری هنرهای تجسمی پان آرت

اخبار و رویدادهای مهم هنری جهان را از این پس میتوانید در شبکه خبری پان آرت پیگیری کنید.

این شبکه بعد از آزمایش دوره‌ای شش‌ماهه بروی گسترش خبر، سئو و نیز بازخورد مخاطبین، از فروردین‌ماه سال جاری با هدف ارائه اخبار هنری جهان با تمرکز به روی اطلاعات مفید راه اندازی و در اختیار هنرمندان قرار گرفت. وب سایت پان آرت ارائه کننده اخبار هنری بصورت آنلاین و نیز ارسال این رویدادها از طریق خبرنامه الکترونیک برای مشترکین سایت خواهد بود.

گروه پان آرت از تمامی علاقه مندان به موضوع نشر خبر، دعوت میکند تا با ایمیل واحد خبر در ارتباط باشند.

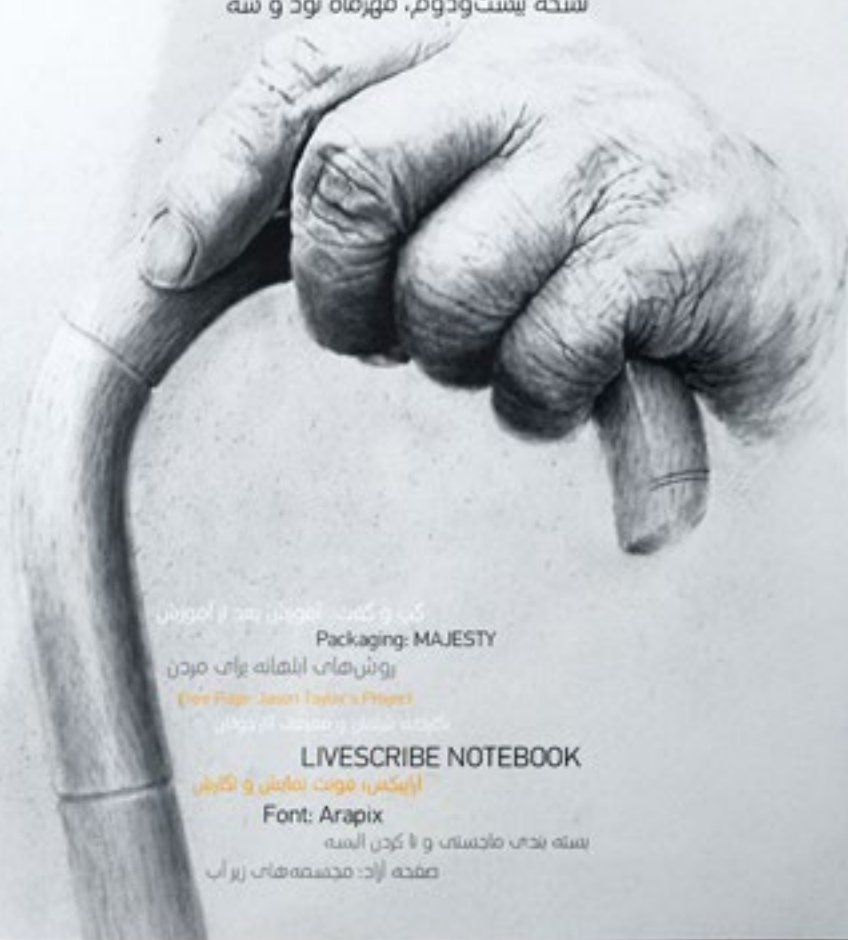
news@panart.ir



PANART

PANART, Visual Arts Magazine, 22th Issue, October 2014

پان آرت، ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی
نسخه بیست و دوم، مهرماه نود و سه



کتاب و گفتمان آموزشی بعد از آموزش
Packaging: MAJESTY
روش‌های ابتهاج برای مردن

Front Page: Jason Taylor's Project

پنجشنبه بیست و هفتم آذرماه

LIVESCRIIBE NOTEBOOK

آرابیکس، فونت نمایش و نگارش

Font: Arapix

بسته بندی ماجستای و نا کردن بسته
صفحه آزاد: مجسمه‌های زیر آب

www.panart.ir



برای دریافت اخبار و ماهنامه هنرهای تجسمی پان آرت

مشترک شوید



PANART

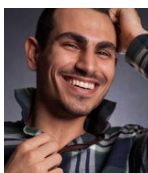
PANART, Visual Arts Digital Magazine

ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی پان آرت



رضا عالی

موسس، مدیر مسوول
سرمدیر مجله پان آرت



آرین خانی

مدیر هنری و ایده پرداز



علی عالی

مدیر سایت و برنامه نویس



بهار بدیهی

مدیر واحد ترجمه لاتین

اعضای شبکه خبری و سایت پان آرت

مدیر واحد خبر: رضا عالی

اخبار آسیا: اثبات حقانی

اخبار اروپا و آمریکا: امیر کشاورز

همکاران حاضر در این شماره:

ویراستار: محمود راد

مترجمین: پریا مقدم- الناز حبیبی فر

روابط عمومی: پیمان سرحدی

واحد فنی وب سایت: محدرضا مرادی نیا

واحد نرم افزار: سعید آشتی پور

اسپانسرهای این نسخه:

آرتیمان استودیو - آژانس تبلیغات و رسانه

پان آرت ماهنامه‌ای دیجیتال با محتوی هنرهای تجسمی است. از مهمترین اهداف ماهنامه معرفی هنرمندان جوان ایرانی و حمایت از آنهاست. در هر نسخه هنرمندان عزیز از سرزمین ایران معرفی شده تا با اینکار گامی هرچند کوچک در گسترش هنر برداشته باشیم و با شعار **"بهترین‌ها، با ما هستند"** همیشه به دنبال معرفی هنرمندان و افراد برتر در زمینه هنر هستیم. علاوه بر این، ارایه رویداد و اخبار هنری و همینطور ارایه فایل‌های مفید در زمینه هنرهای تجسمی از سایر محتویات پان آرت به شما ر می‌آید.

تمامی آثار و نیز مصاحبات منتشر شده با اجازه از شخص هنرمند معرفی شده بوده و تمامی حقوق برای گروه پان آرت محفوظ است. هرگونه تولید، تکثیر، کپی و یا نقل قول؛ تنها با هماهنگی گروه پان آرت مجاز است.

پان آرت در اصلاح، حذف، پذیرش و تبدیل مصاحبات به زبان محاوره ای اختیار کامل دارد. تصاویر و مطالب ارایه شده به دفتر مجله بازپس داده نخواهد شد. اطلاعات ارایه شده در مجله، نظر گروه پان آرت نیست و صحت مطالب درج شده در مصاحبات به عهده شخص هنرمند خواهد بود.

ماهنامه هنرهای تجسمی پان آرت از دریافت مقالات، پژوهش‌ها، مصاحبه‌ها و بقیه مطالب مرتبط با هنرهای تجسمی استقبال میکند. مطالب ارسالی باید کاربردی و از سطح مناسبی برخوردار باشند. این مطالب بعد از تایید، به زبان محاوره‌ای بازنویسی میشوند. از تمامی هنرمندانی که به ارسال مطالب یا خبر اقدام میکنند خواهش می‌گردد حق کپی را رعایت کنند و در صورتی که مطلب از خود آنها است، منابع مورد استفاده و رزومه کاری خود را نیز ارسال کنند. در صورتی که اطلاعات مربوط به شخص دیگری است، ذکر نام گروه تهیه کننده مطالب الزامی است.

www.panart.ir | info@panart.ir



InPrint
Inspiring Artists

"ماهنامه دیجیتال اینپرینت مگزین" با محتوی هنرهای تجسمی، همکار ماهنامه پان آرت در معرفی هنرمندان.

حرف اول

به نسخه بیست و نهم از ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی پان‌آرت خوش آمدید. ماهنامه‌ای که به معرفی هنرمندان جوان این کشور مشغوله. از فعالیت‌های جدید پان‌آرت که در آینده بصورت کاملن حرفه‌ای و تکمیل‌شده به اون پرداخته میشه، پادکست‌های هنری هست که شما رو به بررسی اطلاعات هنری فرای مرزهای نوشتار دعوت میکنه. در آینده‌ای بسیار نزدیک با تحولاتی ویژه در این بخش روبرو خواهید شد که امیدواریم مثل تمامی خدمات گروه پان‌آرت، این بخش هم مورد قبول هنرمندان بویژه جوانان واقع بشه. پان‌آرت قصد داره تا با تکمیل بخش پادکست و شبکه خبری گروه که به تازگی فعالیت خودش رو آغاز کرده، به خاص‌ترین شبکه در ارایه اخبار هنرهای تجسمی تبدیل بشه. در این راه منتظر پیشنهادات شما بزرگواران در مورد ارایه خبر، گویندگی، ارسال مقاله و برگزاری نشست‌های هنری هستیم؛ به امید رشد بیشتر هنر در این مرز و بوم.

در آخر تشکر میکنیم از هنرمندانی که افتخار حضور در این نسخه رو به گروه پان‌آرت دادن، چهار هنرمند محترم و البته جوان: عطیه ضیغمی -تصویرساز-؛ هانی نجم -نقاش-؛ وحید عزت پناه -کالیگرافر-؛ محمد شمس -عکاس-.

رضا عالی، سردبیر و مدیر مسوول

	۹	حرف اول سخن سردبیر در نسخه بیست و نهم
	۱۲	عطیه ضیغمی؛ تصویرساز پاپ سورئالیسم حوالی نگاره های شرقی
	۲۴	موزه های معتبر جهان موزه ملی مکزیک؛ عجیب ترین موزه هنری جهان
	۳۴	هانی نجم؛ نقاش راهبردهای روانشناسانه در ارایه آثار نقاشی
	۴۶	اینستالیشن: دریایی از کف شبی رویایی در کنار دریایی مملو از کف و حباب
۵۶		وحید عزت پناه؛ کالیگرافر جستجو با ذوق و انگیزه در دنیای هنر نقاشی خط
۷۰		صفحه آزاد: خط کوفی مربع از اجرا و خوشنویسی در خط کوفی مربع
۸۰		محمد شمس؛ عکاس الهام از دالی و کوبریک در خلق آثار خلاقانه عکاسی
۹۰		بسته بندی: عسل طبیعی الهام گرفتن از طبیعت در طراحی بسته بندی عسل



PANART

PANART, Visual Arts Magazine, 29th Issue, May 2015

پان آرت، ماهنامه دیجیتال هنرهای تجسمی
نسخه بیست و نهم، اردیبهشت ماه نود و چهار

موزه‌های جهان: موزه ملی مکزیک
صفحه آزاد: خط کوهی مربع
بسته بندی: غسل طبیعی
انتخاباتی: دریایی از کف

درفه! هنرمند: عطیه ضیفه‌ای

و نیز مصاحبه با هنرمندان دیگر:
هانسی نجم، وحید عزت پناه، محمد شمس





Artist focus: Atieh Zeighami; Illustrator

”



عطیه ضیغمی ؛ تصویرساز

پاپ سورئالیسم حوالی نگاره های شرقی

▪ عطیه ضیغمی از سه سال پیش به طور حرفه‌ای تصویرسازی رو شروع کرده و طی این زمان موفق شده جوایز متعددی در فستیوال‌ها و بینال‌های معتبر بدست بیاورد. در ضمن، نگاه دراماتیک و تلفیقی این هنرمند، اون رو در بین نامزدان اصلی جایزه معتبر بین‌المللی تصویرگر جوان برلین قرار داده. ایشون تجربه همکاری با انتشاراتی از کانادا، انگلستان، لبنان و ایران رو در کارنامه هنری خودش داره اما این روزها فارغ از دنیای تصویرگری کتاب، بدنبال راهکار خلاقانه‌ای برای کاربردی کردن تصویرسازیهاش میگرده و سرگرم راه‌اندازی برند دکوراتیو با طعم تصویرگریه.

عطیه، تصویرسازی که در فضای معاصر آفرینش‌های جمعی که گاهن با تقلید و تکرار همراه بوده، به باورها و آفرینش‌های شخصی و فردی خودش نزدیک شده. تصویرسازی‌هاش فضای شرقی و سورئالی رو دارن که از لحاظ تفکر، ایده و اجرا هماهنگ بوده و زیبا و خیال انگیز هم هست. به اعتقاد این هنرمند، آثارش گویشی اتوبیوگرافانه دارن و معتقد که به احساسهای شخصی خودش پناه میبره. عطیه تعریف خودش از تصویرسازی معاصر رو اینطور بیان میکنه که: "تصویرگری امروز، مثل بسیاری از ساخته‌های تازه‌ی انسان عصر ما، چیزیه سوای علم و فن و هنر".



چطور و چه زمان به تصویرسازی گرایش پیدا کردین؟

■ احساس میکنم از وقتی که از لابه‌لای خط‌خطی‌ها تصاویر رو بیرون میکشیدم، به تصویرسازی علاقه داشتم. یه جورایی باهاشون زندگی میکردم، لذت میبردم و بزرگ شدم. خیلی دوست داشتم تخیلاتم رو بروی هر سطحی و با هر ابزاری بیان کنم. معمولن روی سطوح نامتعارف نقاشی میکشیدم. مثلن روی پاهای پدرم و ایشون هم دوست داشت برای نقاشی‌هام داستانی‌گویی کنم و خصلت روایت، وارد دنیای من شد. از اونجایی که خصیصه داستانی‌گویی، نقاشی رو از تصویرسازی متمایز میکنه، فکر کنم از دوران کودکی تصویرسازی رو انتخاب کردم. اما به طور رسمی و آکادمیک، دانش تصویرسازی رو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد آموختم و تصویرساز شدم.







در آثار شما فضاهای شرقی و ایرانی به وضوح به چشم میآید. آیا هدف خاصی داشتید و چرا این فضا در آثار تصویرگران حال حاضر، کمتر دیده میشه؟

تصویرسازی هام فضای اتوبیوگرافی دارن. من ایران متولد شدم و مثل هر ایرانی بایک فرهنگ شرقی و اصیل بزرگ شدم که بسیار ارزشمنده. از زمانی که هنر رو به صورت تئوری یاد گرفتم، فهمیدم زیبایی اثر بدون داشتن پشتوانه و بدون در نظر گرفتن معانی نشانه‌ها، میتونه پوچ و گذرا باشه. به فلسفه شرقی علاقه داشتم و جذب فضای سمبولیک و رازآلود و ماورایی هنر شرق شدم. من جهان و جایگاه خودم رو در اون به گونه ای دیگه دریافت کردم و از اون لحظه، هنر برای من چیزی بیشتر از زنده کردن محفوظات ذهنیم شد. دوست داشتم نجابت و آرامش شرقی رو در چهره ها منعکس کنم. رنگ ها و فرم ها رو هدفمند استفاده کردم و به فضایی رسیدم که ریشه در درون من داشت.

دو سال پیش برای یکی از انتشارات در انگلستان کتابی رو تصویرسازی کردم که مضمونی از افسانه های عامیانه غربی داشت. نمیتونستم شخصی سازی کنم. می بایست با فضای غرب، کارها رو همخوان میکردم. تجربه جالبی نشد؛ احساس کردم کار، بیان منحصر به فردی نداره. من نقشی بجز یک مقلد نداشتم و باعث شد کتاب دوم رو نپذیرم. یکی از رویاهام اینه که فراتر از مرزهای ایران دیده بشم اما به شعار یونسکو بشدت پایبندم: "بومی فکر کن اما جهانی عمل کن"

من یک هدف بزرگ دارم و برای رسیدن بهش باید هوشمندانه پیش برم. در مورد فضای تصویرگران معاصر، خودم رو شایسته قضاوت نمی بینم. هر انسانی جهان خودش رو خلق میکنه و فکر کنم این فضا بشدت مال خودش باشه، چون نمیتونم از زاویه دید کسی نگاه کنم. نظری ندارم تنها میدونم ما تصویرسازان با ارزشی در ایران داریم.



تکنیک آثار شما چیست و لطفن راجع به اون مختصر توضیحی ارایه کنید...

■ در حال حاضر تلفیقی کار میکنم که حس بینایی از کار دست و دیجیتال ایجاد میکنه. دیجیتالی بودن فضای اثر، یک چالش بزرگ برای من هست. از اونجایی که ساده گویی این تکنیک، تصویر رو بی روح میکنه و از حس و لطافت اثر هم کم میشه، تصمیم گرفتم هر چند وقت قلم نوری رو کنار بگذارم و گذری به مداد و کاغذ بزنم و از ترکیب هر دو فضا، یک فضای واحد بصورت قابل قبول بدست بیارم.

آثار چه هنرمندانی رو بیشتر دوست دارین و در کارهاتون از کدام افراد تابحال الهام گرفتین؟

■ طیف وسیعی از هنرمندان روی من تاثیر گذار بودن. نمیتونم مابین اونها فردی خاص رو انتخاب کنم و یا تمایز بدم. همونقدر که ازدیدن آثار یک هنرمند بدوی لذت بردم، از دیدن هزارن اثر نقاشی، تصویرسازی، چیدمان و عکاسی معاصر هم الهام گرفتم. روح من میتونه با یک تتاثر خوب همراه بشه، یک موسیقی عمیق به من فضای تخیل کردن میده، هارمونی درون طبیعت به فلسفه رنگها نزدیکم میکنه و خوندن یک جمله یا یک شعر ممکنه چنان من رو به وجد بیاره که ناخودآگاه تاثیر اونرو بروی کارم ببینم. زمانیکه کاری رو شروع میکنم تنها با احساس خودم جلو میرم و دوست دارم فقط شبیه خودم کار کنم. دنبال پیدا کردن فضای شخصی و مولف گونه‌ای در کارم هستم. هنر حقیقت زندگی منه. مجالی که با درونم، هم قدم میشم و به احساس‌های شخصی خودم پناه میبرم. اون چیزی که تا حالا در تصاویرم نشون دادم، درک و تجربه‌ی شخصی من از زندگی بوده.







شما معتقدید در آثارتون نشانه‌ها و رنگ‌ها، معانی و تعابیر خاصی دارن. لطفن در اینباره توضیح بدین؟

■ زمانیکه با داستانی مواجه میشم، خودم رو موظف میبینم اطلاعاتی هر چند اندک جمع‌آوری کنم. به طور مثال برای اثر "آدم و حوا"، گذری به انجیل عهد عتیق زدم و با نگاه اومانیزم غربی آشنا شدم، بعد به فلسفه‌ی عارفانه‌ی شرق نزدیک شدم و چندین نکته با پشتوانه مفاهیم، وارد کار کردم. در نگاه باستانی، شیطان در غالب ماری از شاخه درختی به سمت حوا سرازیر میشه و حوا رو برای چیدن سیب وسوسه میکنه. خود شاخه رو تمثالی از پیچش مار قرار دادم و با دیفورماسیون و انحنای مابین حرکت مار و درخت اتحاد برقرار کردم. داستان، موضوع عاشقانه‌ای در پس این گناه داشت و سعی کردم فضا بصورت روماتیک باشه و با حرکت چشم‌ها این فضا رو ایجاد کردم؛ افسون چشمان بسته حوا و نگاه ملتسمانه آدم و نگاه خیره شیطان. از لحاظ رنگ، از ترکیب مثلثی عهد رنسانس استفاده کردم. گونه‌های آدم و حوا و سرخی سیب، چرخشی مثلثی در میان فضای خاکستری ایجاد میکنه و حضور رنگِ خنثایی مثل خاکستری، هیجان و قدرت قرمز رو افزایش میده.

در مورد نمایشگاه‌هایی که داشتن کمی صحبت کنید؟

■ من تنها یک نمایشگاه انفرادی به اسم "کابوس‌های شیرین" دو سال پیش داشتم و از اون زمان با دوستان به طور گروهی، نمایشگاه‌های مختلفی رو تجربه کردم. گالری کاخ موزه نیاوران، موزه امام علی (ع)، گالری هنر برج میلاد، ارسباران، لاله، شاهد، فرهنگسرای صبا و فرهنگسرای اشراق و سال پیش هم در جشن نوروز، مهمان کشور آذربایجان بودیم. درحال حاضر هم برای شرکت در یک نمایشگاه گروهی از دانمارک دعوت شدم که خرداد ماه آتی برگزار میشه.

نظر شما در مورد وضعیت تصویرگری کتاب و نوع پرداخت‌ها در حال حاضر چیست؟ آیا تصویرسازی برای شما یک شغل محسوب میشه؟

■ مشکلات بزرگ و جدی در حرفه‌های هنری هست که مسئولان با حل نکردنش بیشترین آسیب رو به روحیه هنرمندان وارد کردن. این در انحصار دنیای تصویرسازی نیست. ما تا زمانی که حق کپی رایب برای آثار قائل نشیم، چه تصویرساز باشیم چه نویسنده و چه نقاش یا طراح گرافیک، همیشه دغدغه نان رو خواهیم داشت و ماحصل این فشارها میشه یک مشت زباله‌های تصویری تقلیدی و تکراری و در آخر گروهی دلال با روحیه کاسب معابانه که متولیان هنر نامیده میشن. متاسفانه دوستانی که دغدغه‌ای بجز دیده شدن ندارن، شرایط رو سخت‌تر کردن و عملن پیشرفتی در پرداخت‌ها حاصل نمیشه. انجمن تصویرگران نرخ نامه‌ای رو مصوب کرد که تنویست شرایط رو مطلوب‌تر کنه، چون حمایتی در کار نیست. تنها راهکاری که به ذهن من رسیده؛ گزیده‌کاری هست. برای همین به عنوان یک شغل به تصویرسازی نگاه نمیکنم.





World's Museums: National Anthropology Museum



موزه‌های معتبر جهان



موزه ملای مکزیک؛ عجیب‌ترین موزه هنری جهان

▪ موزه ملی مردم‌شناسی مکزیک با جمع‌آوری بیش از هشتاد هزار اثر باستانی از دوران‌های مختلفی مثل ایران باستان، یونان، چین، مصر و اسپانیا تونسته گردشگران بسیاری رو به سمت خودش جذب کنه و بخاطر تنوع بالای آثار این مجموعه، به عجیب‌ترین موزه ملی جهان مشهور شده. در این موزه آثار بسیار قدیمی و تاریخی از دوران مایا تا امپراطوری آزتک هم برای مشاهده مخاطب حضور دارن و باعث ارزش پیدا کردن این موزه شدن.



موزه ملی مردم‌شناسی^۱، یکی از موزه‌های ملی مکزیک به شمار می‌آید. این موزه که در منطقه‌ای بین پاسئو د لا رفورما^۲ و کال ماهاتما گاندی^۳، درون پارک چاپولتپک مکزیکوسیتی^۴ واقع شده، پربیننده‌ترین موزه‌ی مکزیک به شمار می‌آید و آثار باستانی و مردم‌شناسی از میراث دوران پیشاکلمبیایی مکزیک^۵ از قبیل سنگ خورشید یا تقویم خورشیدی آرتک‌ها و مجسمه‌ی قرن شانزدهمی خداوند هنر^۶ رو در گنجینه‌ی خودش دارد.

شکل فعلی این موزه که در سال ۱۹۶۴ م. توسط پدرو رامیرز وازکوئز^۷، خورخه کامپوزانو^۸ و رافائل میخارس^۹ طراحی شده، با سالن‌های نمایشی در اطراف یک حوض بزرگ قرار گرفته که در میانش یک ستون باریک و بلند قرار دارد که چتری بتنی رو نگه میداره و آبشاری از این چتر سرازیره و معماری تاثیرگذاری رو نمایش میده. این موزه با مساحت هشتاد هزار متر مربع، ۲۳ غرفه رو در خودش جای داده.

1- MNA, or National Anthropology Museum

2- Paseo de la Reforma

3- Calle Mahatma Gandhi

4- Chapultepec Park in Mexico City

5- pre-Columbian heritage of Mexico

6- Xochipilli


7- Pedro Ramírez Vázquez

8- Jorge Campuzano

9- Rafael Mijares







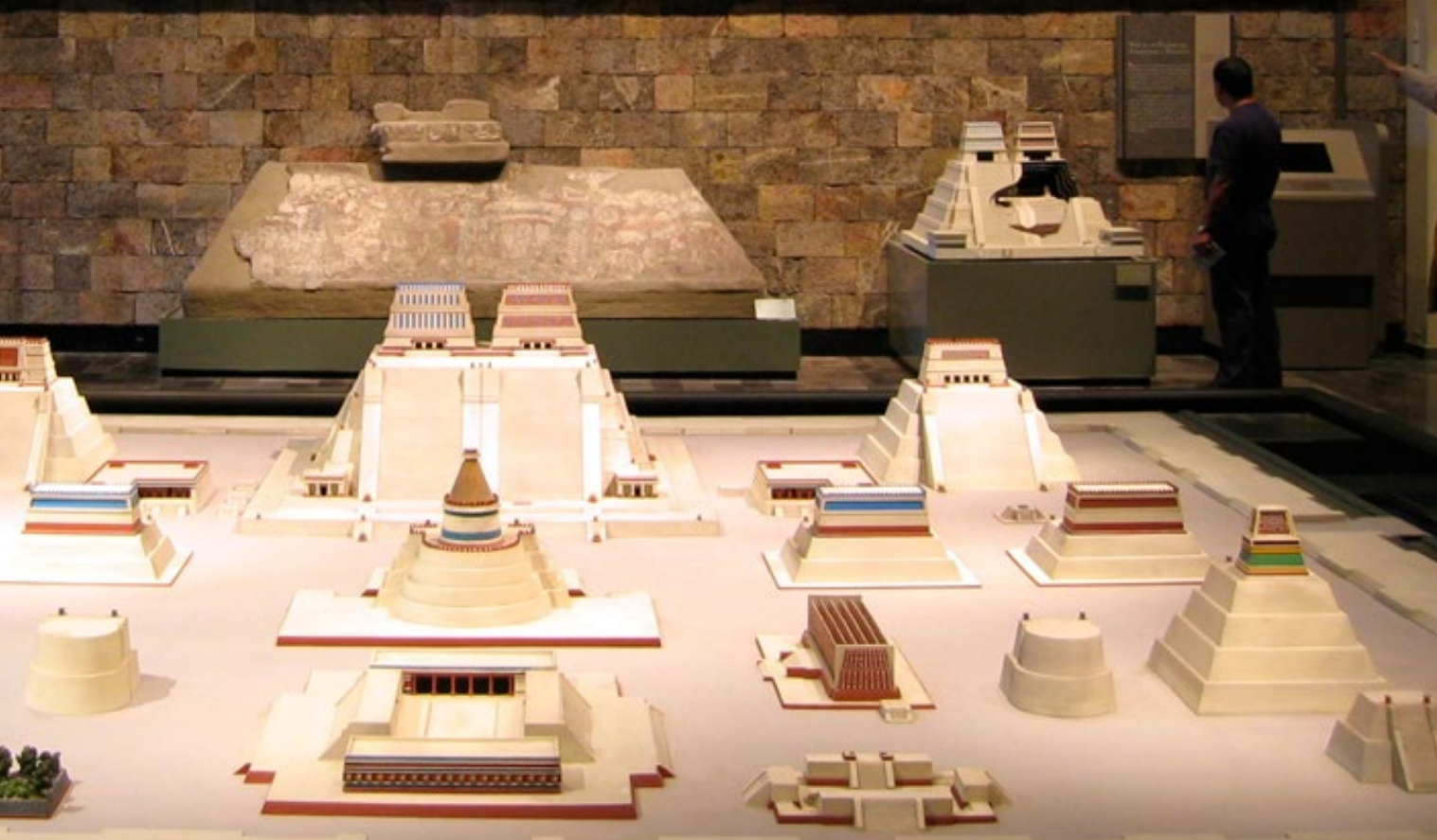
در پایان قرن هجدهم، آثاری که بخشی از مجموعه‌ی مکزیکی رو تشکیل میدادن، به ترتیب دوران سلطنتی مربوطه در دانشگاه رویال مکزیکی جمع‌آوری و طبقه‌بندی شدن. مجسمه‌ی کواتلیکوئه^{۱۰} یا مادر خدایان آزتک و سنگ خورشید^{۱۱} هم در این مجموعه بودن که سبب ایجاد انگیزه‌ی ساخت موزه‌های دیگه در مکزیکی شدن. در ۱۹۷۰ م. نخستین موزه‌ی تاریخ طبیعی^{۱۲} توسط استاد گیاه‌شناسی، خوزه لانچینوس مارتینز^{۱۳} در مکزیکی بنیان نهاده میشه. افتتاح این موزه سبب شد تا بزرگان که برای حفظ آثار باستانی و بناهای تاریخی تلاش بسیاری کرده بودن، گرد هم بیان و به مجموعه‌های حاضر در موزه مکزیکی، آثار ارزشمند دیگه‌ای رو اضافه کنن. در سالهای گذشته، گنجینه این موزه بیشتر از هشتاد هزار اثر مهم برآورد شده که سالانه بیش از ۲۵۰،۰۰۰ گردشگر رو به سمت خودش جلب میکنه که امکان رقابت برای کسب جایزه‌ی نوبل رو هم به این موزه داده. موزه ملی مردم‌شناسی مکزیکی، به خاطر تنوع آثاری که در خودش داره، به عجیب‌ترین موزه دنیا شهرت پیدا کرده.

.....
10- Coatlicue

11- the Sun Stone

12- Museum of Natural History

13- Jose Longinos Martínez



رئیس جمهوری مکزیک، در سال ۱۹۶۴ م. این موزه رو افتتاح کرد که آثار باستانی بی نظیری مثل سنگ خورشید، مجسمه‌های سنگی سرهای عظیم‌الجثه‌ی دوران اولمک‌ها^{۱۴} که در جنگل‌های تاباسکو^{۱۵} و همینطور وراکروز^{۱۶} کشف شدن، گنج‌های تمدن مایاها در ناحیه‌ی مقدس چیچن ایتزا^{۱۷}، تابوتی در مقبره‌ی پاکال^{۱۸} واقع در پالنکه^{۱۹}؛ در اونجا قرار داده شد و تصویری قوم‌شناسانه از زندگی معاصر روستاییان مکزیک هم، در معرض دید عموم قرار گرفت. در این موزه میتونید مدلی از موقعیت و جانمایی تنوشیتلان^{۲۰} پایتخت امپراطوری آزتک که امروزه در ناحیه‌ی مرکزی مکزیکوسیتی واقع شده رو هم مشاهده کنید.

نمایشگاهی دائمی هم در طبقه‌ی هم‌کف دایر هست که به تمدن پیشاکلمبیایی که به مکزیک امروزی و بخش‌هایی از ایالت جنوبی آمریکا مربوط میشه و به بخش‌های شمال، غرب، مایا، خلیج مکزیک، واهاکا، مکزیک، تُل‌تک^{۲۱} و توتیهواکان^{۲۲} تقسیم شده. این نمایشگاه‌های دائمی واقع در این بخش، نشانگر فرهنگ بومی مردم مکزیک پس از استعمار اسپانیا تا به امروز به شمار میان.

.....
14- the Olmec civilization

15- Tabasco Jungle

16- Veracruz

17- Chichen Itza

18- Pacal's tomb

19- Palenque

20- Tenochtitlan

21- Toltec

22- Teotihuacan



موزه ملی مردم‌شناسی مکزیک، میزبان نمایشگاه‌های موقت دیگه‌ای هم هست که اکثراً با موضوع فرهنگ‌های بزرگ جهان برپا میشه. نمایشگاه‌های موقتی که تابحال در این موزه برگزار شدن با رویکرد ایران باستان، یونان، چین، مصر، روسیه و اسپانیا بودن و آثار بی‌نظیری از دوران باستانی اون مناطق، به نمایش گذاشته میشه.







Artist focus: Hani Najm; Painter

”



هانى نجم؛ نقاش



راهبردهای روانشناسانه در ارایه آثار نقاشی

هانى نجم از هنرمندانی هست که فعالیت در نقاشی رو بصورت خودآموخته آغاز کرده و با وجود مخالفت‌هایی که از جانب دوستان و همشاگردیهاش در سبک نقاشی داشته، به راهش ادامه میده و با این تفکر، تونسته مقام‌های مختلفی رو از جمله نفر اول طراحی جشنواره ملی جوان ایرانی و سایر فراخوان‌ها کسب کنه. به نظر هانی، نقاشی یک فرآیند طبیعی هست و در پاسخ به دغدغه‌ها و نیازهای انسان شکل میگیره.

از معروف‌ترین آثار هانی نجم، مجموعه آثار پرتره‌ای هست که بروی بلیط‌های مترو انجام داده و نشان از مصرف‌گرایی انسان و نابودی در محیط‌زیست هست که با مصرف بی‌رویه کاغذ، در نهایت به خود انسان صدمه میزنه. این مجموعه از آثار هانی در جشنواره مجیک آو پرشیا، جزو هشت نفر فینال هست و مجموعه‌ای ارزشمند به شمار میاد.

هانى دليل جذابیت آثارش برای مخاطب رو بخاطر راهبردهای روانشناسانه و پژوهش‌های اجتماعی نهفته در کارهاش میدونه و بیان میکنه که: "موضوع مورد جلب توجه اینه که در نقاشی‌های من، از این هنر به عنوان وسیله‌ای برای وقایع‌نگاری و یا مردم‌نگاری استفاده میشه یا جنبه‌هایی که این دو موضوع رو مورد بررسی قرار میدن."

فعالیت شما در زمینه هنر نقاشی از چه زمان بصورت جدی آغاز شد؟

■ از دوران کودکی به نقاشی کردن علاقه داشتم و روی دیوارهای خونه‌مون خط‌خطی میکردم. من به هیچ کلاس نقاشی نرفتم و تقریباً حتی قبل از رفتن به هنرستان و دانشگاه هم به همین شیوه شخصی، خودم کار میکردم یا بهتره بگم که این، یک میل و نیاز درونی بود. از کودکی این نیاز بصورت کم‌وبیش در من بود و از سال ۷۶ اونرو جدی گرفتم و بهش بیشتر پاسخ دادم و حرفه‌ای‌تر کار کردم و همیشه با مخالفت‌های خانواده روبرو بودم. در دانشگاه هم همیشه همون شیوه خودم رو ادامه دادم و با مخالفت‌های استادان و همکلاسی‌هام روبرو بودم. زمانی که دانشجوی بودم، در جشنواره ملی جوان ایرانی که سه هزار شرکت‌کننده داشت، در سال ۸۹، نفر اول طراحی کشور شدم. بنظر من هر وقت که شما مخالفت‌کردن روبرو میشین، یعنی راه درستی رو در پیش گرفتین. من اعتقادی به آکادمیک بودن ندارم و بنظرم نقاشی یک فرآیند طبیعی و در پاسخ به دغدغه‌ها و نیازهای انسان شکل میگیره.

تکنیک اجرایی شما در ثبت آثار بی‌جان چون طبیعت بی‌جان به چه نوعی هست؟

■ آثار طبیعت بی‌جان مربوط به سال ۸۶ میشه که بعدها به من گفتن شبیه کارهای والریو آدامی شده، در حالی که من اصلن آثار اون هنرمند رو ندیده بودم. در این مجموعه، آثارم به سمت ساده شدن رفته و فقط خط و سطوح رنگیه و میخوام ترکیبی باشه از کارهای پیت موندریان و جرج موراندی، اما مجموعه‌ی متفاوتی شد. ناگفته نمونه که از طبیعت بی‌جان بسیار طراحی کرده بودم و در نهایت به این وحدت رسیدم. ابتدا، کارهای من بسیار پُر خط بود و در طول زمان به خطوط ساده رسید. در این مجموعه، جستجو و بازی با شکست نور بود و همه اونها رو از روی مدل کار کردم و چندین بار رنگ اونها رو عوض میکردم و رنگها هم شخصی شده و در همه کارها، رنگهای مشترکی رو میتونین پیدا کنین. رنگهای مورد علاقه من همیشه قرمز و سیاه کنار هم بوده و در بیشتر کارهام از خانواده‌ی رنگهای گرم استفاده می‌کنم.



در مورد آثار نقاشی که بروی بلیط‌های مترو طراحی شده صحبت کنید... از ایده تا اجرا...

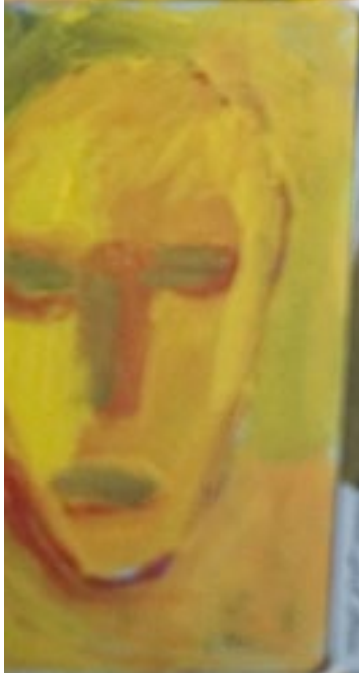
▪ جدای از مجموعه‌ای از آثارم که مربوط به روزمرگی و معضلات اجتماعی و خستگی آدم‌هاست و اونقدر این انسان‌ها با فضای اتوبوس یکی شدن که در حال حل و یا متلاشی شدن در اون هستن، بخشی از کارهای من بروی مواد بازیافتی و دور ریختنیه. مثل تی‌بگ، سی دی یا قوطی‌های پنیر. ایده طراحی روی اون‌ها در لحظه شکل میگیره. من همیشه دفترچه طراحی به دنبال دارم و در مترو یا اتوبوس طراحی می‌کنم.

یکبار که دفترم تموم شده بود و نیاز به طراحی داشتم و هیچ کاغذی با خودم نبرده بودم، روی گیت‌های مترو تعدادی بلیط باطله دیدم و همون‌ها رو برداشتم و در مسیر مترو از چهره آدم‌های داخل اونجا طراحی پرتره کشیدم و این کار ادامه پیدا کرد و پخته‌تر شد. من چهره‌ها رو بر روی مثلی کشیدم که نامتعادل بودن رو نشون میداد و از هر طرف ممکن بودن سقوط کنه. یعنی نوک مثلث به سمت پایین بود و مدتی چهره‌های برعکس طراحی می‌کردم.

به نظرم هر شیئی میتونه خودش مفهومی رو ابراز کنه. مثلاً بلیط‌های مترو جمع میشه و به سطل زباله ریخته میشه و زمانیکه پرتی‌های بروی اون کشیده میشه، میتونه با سرگذشت این بلیط ادغام بشه و حتی انسان، شباهت پیدا میکنه به یک بلیط یکبار مصرف.

دومین معنی که این آثار داره، حفظ محیط زیسته. بلیط‌هایی که میخریم مصرف می‌کنیم؛ بلیط کاغذی از قطع شدن درختان درست شده و اون رو به زباله تبدیل می‌کنیم و چهره‌ای که در حال سقوطه. این، یعنی انسان، با از بین بردن طبیعت خودش رو هم نابود میکنه و نمیدونه که هنرمند وظیفه‌اش اینه که نادیدنی‌ها رو دیدنی کنه و این کاریه که هر روز آدم‌ها انجام میدن بدون اینکه بهش فکر کنن. در آخر، همه بلیط‌ها با رنگ‌های مختلف کنار هم چیدمان میشن و یک اثر چهار متری رو تشکیل میدن. یعنی وقتی همین بلیط‌ها هر کدوم جمع بشن، در آخر تاثیر بزرگی رو در نابودی طبیعت دارن.



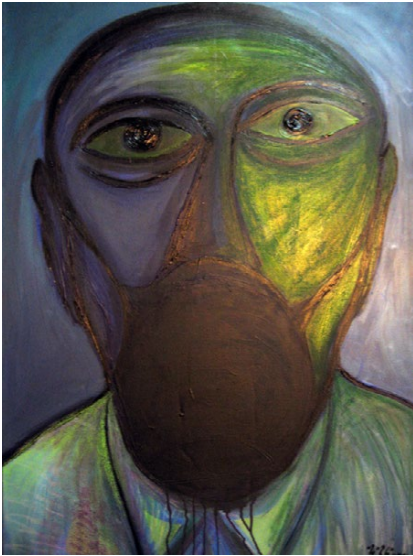




از نقاشان برجسته جهان، مثل ونگوک یا حتی پیکاسو چقدر تونستید در اجرای آثار خودتون الهام بگیرین؟

■ معتقدم که هیچوقت یک هنرمندی که به شیوه و بیان شخصی خودش رسیده باشه، نمیتونه حتی وقتی الهام هم میگیره، کارش زیاد تغییر کنه. من تقریباً هیچ الهامی نگرفتم، چون هر هنرمندی در دوره خودش دغدغه‌های خاص خودش رو داشته و موضوعات برای الهام من اونقدر در جامعه زیاد بوده که باعث شده به فکر الهام گرفتن از آثار دیگران نباشم و همه اینها برای هنرمند، خودش اتفاق میفته و همینطور که رو به جلو میره، چیزهایی سر راهش قرار میگیره که مسیر رو خود به خود نشون میده. بنظر من هنرمندان انتخاب شدن که مسیر خودشون رو برن. من نقاشی کودکان و خلوصی که در اون هست رو دوست دارم و سعی می‌کنم اگر قرار باشه الهامی بگیرم، از کارهای کودکان باشه.





پرتره در آثار شما جایگاه ویژه‌ای دارد. این روند رو به چه دلیل انتخاب کردین؟

تا بحال چند هزار چهره از روی مدل کار کردم و موقع کشیدن چهره، همیشه با مدل‌هام صحبت می‌کنم و سعی داشتم به حس درونی مدل نزدیک بشم و در کارم اونها رو نشون بدم. کتاب قبلی من طراحی از شخصیت‌های معروف دوره قاجار تا دوره معاصر بود. از نویسندگان و شاعران و موسیقیدانان. اونها رو با موزیک کار کرده بودم به این دلیل که موزیک در طول زمان کم‌رنگ میشه و این چهره‌ها نیز فراموش شده بودن و استفاده از متریال در مفهوم اون نقش داشت. همه این چهره‌ها انگار در دوره معاصر بودن و مات و مبهوت به بیننده نگاه میکردن.



مجموعه دیگه‌ای از آثارم، چهره‌هایی هست که با کاردک کار کردم و به صورت ذهنیه، چون بر این باورم که در آزاد و رها کارکردن هست که هنرمند خودش رو پیدا میکنه و نباید جلوی خودش رو بگیره. مثل کودکی که دوست داره به چیزهای مختلف دست بزنه و نباید کودک رو دعوا کرد، چون جلوی خلاقیتش گرفته میشه. در بوجود اومدن اثر هنری هم انسان نباید به خودش و هنرش خیانت کنه چون ممکنه به این فکر کنه که آگه با یک مجموعه کار شناخته بشه، دیگه همون رو ادامه بده و خطر نکنه که دیگران راجع به اون چیزی فکر نکنن. اما این اشتباه هست، چون انسان در حال تغییره و هنرش هم باید تغییر کنه، حتی متریال‌های مختلف هم باعث این تغییر در کار میشه.

مجموعه دیگه‌ای از چهره‌هایی که کار کردم، اونهایی هستن که ماسک‌های آلودگی هوا زدن و متاثر از دوره‌ای بودم که هوای تهران بشدت آلوده بود و تعطیل اعلام شده بود. حتی یادمه وقتی به بیرون از خونه رفتم دچار سردرد شدید بودم که مجبور شدم به شمال ایران مسافرت کنم و از هوای پاک بهره ببرم.



من زمانی که از مدل زنده طراحی چهره انجام میدادم، متوجه میشدم که بیشتر مدل‌ها شباهت براشون مهم بود، در حالی که من همیشه چه در آثار چهره و چه در آثار دیگه‌ای که داشتم، سعی میکنم قدری به اون نزدیک بشم که شاید دیگه اون فرم دیده نشده و چیز دیگه‌ای بشه. این تفاوت عکس و نقاشیه، چون هنرمند حس‌هایی که خودش داره رو با کارش به دیگران منتقل میکنه و این رها کار کردن و فکر نکردن، هنگام کار باعث میشه کاری که کشیده میشه به حس درونی هنرمند نزدیک‌تر باشه.

نقاشی کردن بسیار کار ساده‌ایه. کار سختی نیست. آموزش دیدن هم زیاد لازم نیست، چون از یک مقطعی به بعد، زندگی بهترین استاد ما میشه و بیشترین تأثیرات رو بروی کار هنری ما میگذاره. مهم فقط لذت بردن از کار کردن و انتقال اون و تأثیرش بروی دیگرانه.





ارزیابی مخاطبان درباره آثارتون چطور بوده؟ آیا نتایجی که مدنظرتون بوده رو بدست آوردین؟

■ عمومن درباره نظرات مخاطبان، آماری رو همیشه ارائه داد. اما بازخورد نمایشگاه‌هایی که تابحال برگزار کردم، تونسته تاثیرات لازمی که مدنظر داشتم رو بر مخاطبانم بگذاره. همینطور مخاطبان خاصی هم بودن که مقالاتی در زمینه برخی آثارم در دومین همایش ملی انجمن علمی هنرهای تجسمی ایران که با رویکرد جامعه‌شناسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۹۳ برگزار شد ارایه کردن. همینطور در کنگره بین‌المللی علوم رفتاری که در دانشگاه شهید بهشتی در آینده برگزار میشه، مقاله دیگه‌ای ارائه شده که در نشریه با فرمت آی‌اس‌آی چاپ و منتشر میشه. امسال هم در جشنواره مجیک آو پرشیا اثری که روی بلیط‌های مترو انجام داده بودم، در هشت نفر فینال پذیرفته شد که نمایشگاه اون در اواسط اکتبر امسال همزمان با فریز آرت در لندن و در رویال کالج آو آرت برگزار میشه.

علت این جذابیت‌ها برای مخاطبان خاص شما چه چیزهایی بوده؟

■ اونچه که از این مقالات برمیاد اینه که در این دسته از آثارم، راهبردهای روانشناسانه و پژوهش‌های اجتماعی نهفته. موضوع مورد جلب‌توجه اینه که در نقاشی‌های من، از این هنر به عنوان وسیله‌ای برای وقایع‌نگاری و یا مردم‌نگاری استفاده میشه یا جنبه‌هایی که این دو موضوع رو مورد بررسی قرار میده.







Installation: Foam Installation by Kohei Nawa




اینستالیشن: دریایی از کف

”

شبهی رویایی در کنار دریایی مملو از کف و حباب

اینستالیشن ویژه از حباب‌های صابونی که بصورت کف بروی زمین قرار داده شدن خیلی جذابه. هنرمندی ژاپنی در این شیوه تونسته با ترکیب شیمیایی ساده، به کف‌هایی دست پیدا کنه که علاوه بر سیال بودن، بصورت ابر مانند هم حضور دارن و فضای رویاگونه رو برای مخاطب ایجاد میکنن. ترکیبات اینستالیشن کف، علاوه بر ثبات ماده استفاده شده، بوسیله تکنیکی خاص، حرکت ابر مانند مواد رو در محیط بکاربرده شده هم ایجاد میکنه و شما رو به شی رویایی دعوت میکنه.





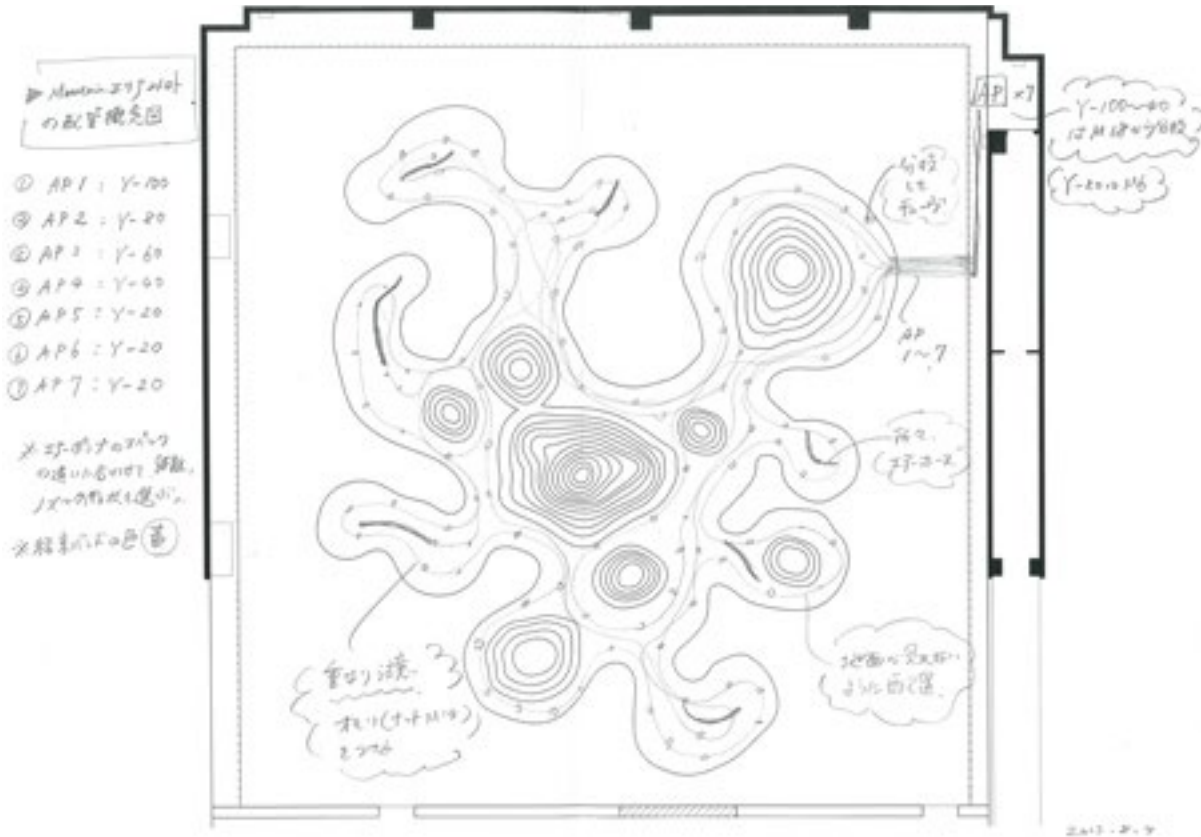
هنرمند ژاپنی، کُهی ناوا^۱ در یک نمایشگاه هنری در آیچی ژاپن^۲ یک اتاق تاریک رو با ابرهای موجدار از کف پر کرد. اون برای خلق فرمهای کفی برای اینستالیشن جدیدش از مخلوط گلیسرین، آب و مواد شوینده استفاده کرد و اونرو، اینستالیشن کف^۳ اسمگذاری کرده.

ناوا، این اثر رو " شبیه منظره‌ای از سیاره‌ای ازلی و آغازین" توصیف می‌کنه. فرم‌های ابر شکل در هشت نقطه‌ی مختلف از زمین پمپ میشن تا صحنه‌ای ایجاد کنن که دائمی، هم در داخل خودش و هم در اتاق تاریک در حال حرکت هستش. این هنرمند مقادیر مختلفی از سه ماده تشکیل دهنده رو با هم ترکیب و آزمایش کرده تا کفی ایجاد کنه که بدون اینکه تحت تاثیر جو قرار بگیره، بتونه شکل خودش رو حفظ کنه.

1- Kohei Nawa

2- Aichi, Japan

3- Foam Installation



ناوا توضیح میده که "سلول های کوچک حباب به طور پیوسته با نوسان کم یک مایع به وجود میان. سلول ها دور هم جمع میشن و روی مایع رو پوشش میدن و خود به خود کف ایجاد می کنن یا به شکلی ارگانیک، توده ای از سلول ها رو شکل میدن". این هنرمند ادامه میده که: "احجام بلند شده از کف، به هم وصل و اشباع میشن اما بعد شروع به بادشدن می کنن، بعضی اوقات خاصیت خودشون رو از دست میدن و بر روی زمین پخش میشن". از آثار دیگه کهه ناوا، میتونیم به ساخت مجسمه های اشاره کنیم که با حباب پوشیده شدن. این هنرمند در ساخت فضا و اشکالی که با حباب و کف سر و کار دارن به مهارت خاصی رسیده و در این روند نمایشگاه های مختلفی رو هم برپا کرده.





▲ آثار حبابی کهی ناوا طرفداران بسیاری رو در ژاپن و سایر نقاط جهان داره. برخی از نمایشگاه‌های این هنرمند بصورت مجسمه‌هایی از حباب ایجاد شده. انعکاس نور و اجسام اطراف هر مجسمه در حباب‌های حاضر بروی هر مجسمه، باعث توهمی هولوگرافیک در جسم میشه.





Follow Us

Twitter

Linkedin

Instagram



Visual Arts Monthly
ماهنامه دیجیتال هنر

Follo

Web Site

Facebook

Google+



Panart Magazine
پان آرت مجسمہ پان آرت



Artist focus: Vahid Ezatpanah; Calligrapher

”



وحید عزت‌پناه؛ کالیگرافر

جستجو با ذوق و انگیزه در دنیای هنر نقاشی خط

■ هنر نقاشی خط سالیانی هست که بسیار مورد توجه هنرمندان جوان قرار گرفته. ترکیب تکنیک‌های نقاشی در کنار آثار خط و همینطور خلاقیتی که در ذهن جوان‌ترها بیشتر جرقه می‌زنه، باعث ایجاد آثار شگرفی شده. آثاری که خط ایرانی، ترکیب بندی و نیز روح نقاشی در اون موثره. هنرمند خلاق ایرانی، وحید عزت پناه از دسته افراد نامبرده هست که با سبکی خاص به نام آگزو کالیگرافی، سعی در نمایش نقاشی خط به صورت تغییر و تحول در بُعد المانهای آرایه شده داره. سبکی که در اون، معلق و رها بودن به تصویر کشیده میشه.

وحید در مورد اجرای آثار هنری نقاشی خط، مسیر پیشرفت این هنر رو در تغییر و تحول چشمگیری نسبت به دوران گذشته میدونه و اعتقاد داره که هرچی نقاشی خط به انتزاع نزدیکتر میشه، امکان کشف ابعاد مدرن و زیبایی بیشتری در اون بوجود میاد. این هنرمند، تکرار آثار دوره‌های پیشین جهت نمایش رو باعث عقبگرد و سایش خلاقیت هنرمند میدونه و اینطور بیان میکنه که با اجرای کار سنتی، نمیشه ادعای مدرنیته رو داشت. ایشون برای هنرمندان جوان‌تر؛ ذوق و انگیزه، تحقیق و پژوهش، تلاش پیگیرانه و صبر بسیار رو به جهت رسیدن به موفقیت، پیشنهاد میکنن.

مختصری از خودتون و فعالیت‌هایی که انجام میدین صحبت کنید...

■ سابقه بیست سال تدریس هنرهای تجسمی، طراحی گرافیک و عضویت در انجمن خوشنویسان ایران رو داریم و همینطور مدیر و بنیانگذار موسسه‌ی ترکیب هنر هستیم. برگزاری هشت نمایشگاه انفرادی و شرکت در ده نمایشگاه گروهی در رشته نقاشی خط هم در فعالیت‌های هنری من قرار داره.

بیشتر زمان من در موسسه به آموزش و انجام پروژه‌های گوناگون در زمینه هنرهای تجسمی (طراحی، نقاشی، نقاشی خط) سپری میشه. لازم به ذکره که نمایشگاه‌های متعددی نیز جهت هنرجوهایی که دارم، برگزار کردم. سالها تدریس و دیدن پیشرفت و موفقیت‌های هنرجویانم باعث ایجاد انرژی مضاعفی شده تا در این راه قدم بردارم، البته علاقه شخصی و تمرکز در رشته نقاشی خط بوده و هست.

فعالیت موسسه ترکیب هنر چه هست و ایده شکل گیری اون چطور به ذهن شما خطور کرد؟

■ موسسه ترکیب هنر از بدو تاسیس با هدف آموزش مهارت‌های مربوط به شناخت درون و ارتباط موفق و موثر و بعد از اون با هدف آموزش هنر شکل گرفت. بنظر من یکی از بزرگترین معضلات جامعه ما، عدم ارتباط با خویشتن خویش و باور قدرت‌های درونی بخصوص حضور نیروی مهربان و بخشنده به اسم خداوند بزرگه که در صورت یافتن و دریافت این انرژی بیکران، انسان میتونه در هر رشته‌ای از لحظه لحظه‌های مسیر لذت ببره و سپاسگزار باشه. حالا این رشته میتونه هنر باشه که اتفاق در زمینه کارهای هنری به جرات حضور یگانه بی‌همتا، دادار هستی، خدای مهربان بسیار پررنگتر و نیز وسیعتره. در هر حال، ایده من اینه که هر وقت حال درونی، مساعد و پراکنجه باشه، کارها هم روان و عالی پیش میره. متأسفانه در جامعه به مقوله شناخت و عرفان نه تنها توجه شایانی نمیشه، حتی اونرو در حاشیه میدونن. در حالی که این مورد، اصل و بنیاد زندگی و موفقیت به شمار میاد.



رحم الرحمن ما ك يوم الدين انما نعد وانما ك
لمت : الد عظمه
عصو
لها



تعریف شما از نقاشی خط چیست و چه تفاوتی با کالیگرافی در اون وجود دارد؟

■ نقاشی خط، هنری نوپا با پتانسیل خیلی بالاست، خصوصاً در سالهای اخیر تونسته جایگاه خودش رو در بین بقیه رشته‌های هنرهای تجسمی تثبیت کنه. البته تعریف نقاشی خط، به فراخور نگاه و ظرفیت هنری و بروز بودن هر فرد نسبت مستقیم داره. در نسل اول هنرمندان این رشته، بندرت میشه آثاری پیدا کرد که از خط جهت بیان فرم و کمپوزیسیون استفاده شده باشه. چرا که در اون دوران، خوانایی و زیبایی فرم به اضافه رنگ جهت تزیین اون، اولویت آثار رو تشکیل میداده. به عبارت دیگه، هنر قانونمند خوشنویسی، مهمتر از بقیه نکات خودنمایی میکنه و اثر، در نهایت خوانا و زیبا نوشته و تزیین میشده که البته در زمان خودش بسیار مورد توجه بوده.

این مقدمه‌ی هرچند کوتاه رو به این سبب ذکر کردم تا تعریف خودم رو ارایه کنم. بنظر من نقاشی خط در مسیر تغییر و تحول و پیشرفت چشمگیری نسبت به دوره‌های قبل قرار گرفته و امروزه نگاه تازه و متفاوتی رو میطلابه. نقاشی خط، بیان و ایجاد یک اثر هنریه که بتونه از فرم و رنگ و مبانی هنرهای تجسمی به همراه المان‌هایی از خط (فارغ از خوانایی و یا ناخوانایی اون) استفاده کنه. چرا که امروزه نقاشی خط هرچه به انتزاع نزدیکتر میشه، میتونه ابعاد مدرن و زیبایی رو در اون کشف کرد. بنابر این، تکرار و تکرار آثار دوره‌های پیشین جهت نمایش، نه تنها حرف جدیدی برای ارایه نداره بلکه سبب عقبگرد و سایش هنرمند هم میشه (به جز زمانی که هنرجو در حال تمرین و ممارست از طریق تکرار جهت پیدا کردن راه خودش هست).

لازم به ذکره که دوستان بسیاری که به سبک و سیاق ادوار گذشته مشغولن، در واقع در حال انجام و اجرای آثار کلاسیک و سنتی هستن که در نوع خودش ایرادی هم نداره، اما مشکل زمانی آغاز میشه که این افراد خودشون رو هنرمندی بروز شده و مدرن میدونن و این بسیار عجیبه. چرا که با انجام کار سنتی همیشه ادعای مدرنیته داشت. به عبارت ساده‌تر میبایست "طرحی نو در انداخت". معنای کالیگرافی در لغت همون خطاطیه که البته در کشورهای مرفعی بعضی اندکی به نقاشی خط پهلو میزنه. اما در کشور ما، بعلاوه قوانینی مانند خوانایی و زیبایی، کالیگرافی به تنهایی پتانسیل نقاشی خط رو نداره.



از سبک جدیدی که در خط و نقاشی در پیش گرفتین و دلایل اجرای اون صحبت کنید؟

■ همونطور که قبلن هم عرض کردم، با توجه به علاقه و زمانِ تلاشی که در این سالها انجام دادم، متوجه شدم که خودم و سایر همکارانم در این رشته سعی در تقلید و کپی برداری از هم داریم که آثاری تولید بشه و به فروش برسه. البته از این تکراری بودن و شبیه بهم بودن آثار، انرژی مثبتی دریافت نمی‌کردم. همین موارد، دلیل انگیزش قدرتمندی شد تا با نگاهی متفاوت، آثار متمایزی رو ارایه کنیم. امروزه در دوره‌ای زندگی میکنیم که سرعت تغییر و تحول به صورت فزاینده‌ای جهان پیرامون ما رو احاطه کرده و براحتی میشه این تغییر رو در مدیا و یا رسانه‌های اجتماعی شاهد بود. به عقیده‌ی من، تکرار روش‌های قبل در این زمان به هیچ عنوان نمیتونه پاسخگوی نسل نونگه و نوآگاه این دوره باشه. در آثارم که آگزو کالیگرافی نامگذاریش کردم، سعی بر اون دارم که نوعی معلق و رها بودن رو به تصویر بکشم، رها از همه‌ی قید و بندهایی که مثل طناب، آدمی رو اسیر خودش کرده. ترس‌هایی مثل قضاوت دیگران، تایید نشدن و غیره؛ چرا که هر کار تازه‌ای نیاز به رهایی افکار داره.

در آثارم از فرم‌های خط‌های گوناگون هم بهره گرفتم که در نهایت به حجمی متحد و از زمینه فاصله گرفته شده (آگروها) برسم. به صورتی که با مواجه با این آگروها، حس بُعد و حجم رو دریافت میکنید. حجمی که سعی بر اون داشتم تا به فرم‌های انتزاعی نزدیک بشه، در پس زمینه آثار هم، از رنگ و فرم‌های نقاشی خط‌های کلاسیک و تخت استفاده کردم. به عبارت دیگه، جدا کردن و رهایی آگروها از زمینه، به صورت عمدی و خود خواسته بوده تا به این روش، تاخر و تحول به مخاطب القا بشه.



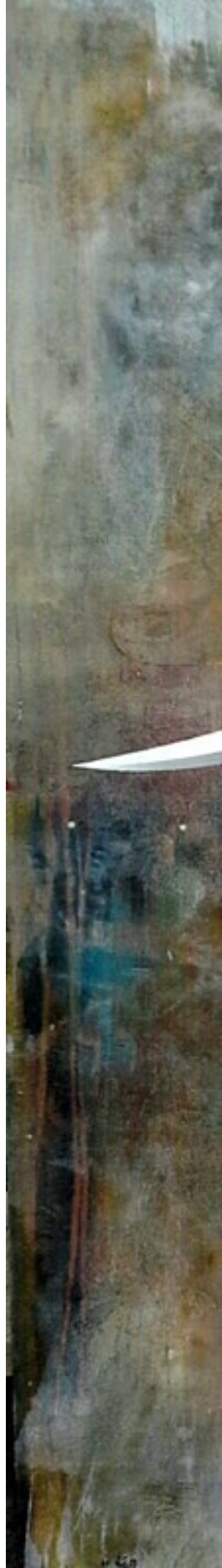


سه بُعدی سازی رو چطور و با چه موادی به این صورت در سبک جدیدتون اجرا میکنید؟

▪ طراحی و اجرای آگزو کالیگرافی‌ها کاملن دستی و ذهنیه که البته در اجرای نهایی از نرم‌افزار هم بهره گرفته میشه. ترکیب مواد و استفاده از فرم‌های نقاشی هم، از سایر تکنیک‌های اجرای کار به‌شمار میاد.

آیا آثارتون رو برای فروش هم طراحی میکنید یا فقط برای ارایه یک اثر ماندگار طراحی شدن؟

▪ اگر حمل بر خودستایی نباشه، چون اولین نفری هستم که با این شیوه در این رشته کار میکنم، تمام سعیم اینه که اثری خلق کنم که برای خودم جذاب و ماندگار باشه و همیشه فکر میکنم اگر اثری تنها برای فروش انجام بشه، خیلی زود محو میشه. (سالها در این مورد تجربه دارم). بنابراین آگزو کالیگرافی‌ها رو با وسواس و دقت مضاعفی طراحی و اجرا میکنم و ماندگاری اونها برای من در اولویته. اگرچه آثارم در نهایت به‌فروش هم میرسه.





نظر شما در مورد روند گالری‌ها که معمولان فقط با اشخاص خاصی کار میکنند چه هست؟

■ معمولان گالری‌ها با هنرمندان انتخاب شده خودشان در تعامل هستند که البته از جهاتی منطقی و از جهاتی هم این موضوع با اشکالاتی مواجه هست. گالری‌های مطرح با توجه به چشم انداز و هدف‌گذاری و همین‌طور سلیقه خودشان با تعدادی از هنرمندان قرارداد می‌بندند، چونکه ارایه و فروش این نوع آثار رو در حوزه فعالیت و توان خودشان می‌بینن که از نظر اقتصادی میتونه موجب انگیزه هنرمند بشه که جنبه بسیار مثبتی هم هست. اما کاش، بخش مافیایی در اینکار وجود نداشت و استعدادهای جوان و ناب رو هم حمایت میکرد. استعدادهای جوان و گمنامی که به جرات در صورت شناسایی و هدایت شدن، میتونن در نجات فضای هنری کشور از خمودگی و تکرار موثر باشن.

به عنوان یک پیشکسوت، به چه طریق میشه برای راهیابی هنرمندان جوان به گالری‌ها برنامه‌ریزی کرد؟

■ بهترین راهکار برای دوستان جوانی که شور و شوق بی‌حدی دارن و میخوان در تعامل با فضای هنری باشن، اینه که اولن تمرین و ممارستی از سر شوق داشته باشن، دومن میبایست متفاوت کار کنن و به فضای شخصی خودشان برسن. در نهایت، امید به جریان الهی داشته باشن و بدونن که در زمان و مکان مقرر اونچه که باید به وقوع برسه، حتمن خواهد رسید. جان جانان هیچگاه دیر نمیکنه.



برای پیشرفت در این حرفه، چه پیشنهادی به علاقه‌مندان بخصوص نسل جوان داریم؟

■ علاقه‌مندان به این رشته باید چندین ابزار رو در اختیار داشته باشن: ذوق و انگیزه، تحقیق و پژوهش، تلاش پیگیرانه و صبر بسیار. به‌خصوص استفاده و باور قدرت شهودی که یزدان پاک به همه ارزونی داشته و داره. در آخر از بهترین و بزرگترین حامی در طول مسیر زندگیم، خدای بزرگ و توانایم، سپاسگزارم.







Free Page: Exploring the meticulous art of Kufi Murabba





صفحه آزاد: خط کوفی مربع

از اجرا و خوشنویسی در خط کوفی مربع

▪ در فرهنگ اسلامی، هنر خطاطی؛ هنر قلم و بیان معنویت و مقدس بودن به شمار می‌آید. این هنر، عملی هست که برای سالها مطالعه شده و بروی اون تغییرات خاصی انجام شده. از زمان توسعه زبان عربی، پیشرفت خطاطی تبدیل به یکی از فرم‌های اصلی برای بیان هنری شده. تنها یک هنرمند جدی درک می‌کند که رسیدن به دستخط درست با استفاده از ابزار، نیاز به وقف زمان و توجه زیاد دارد. این هنر، فرمی از بیان هستش که با نفس در هم پیچیده و اینطوری به یک نتیجه‌ی عالی منتهی میشه. در ادامه به بررسی خط کوفی و شاخه کوفی مربع می‌پردازیم که علاقه‌مندان خاص خودش رو در بین جوانان پیدا کرده.



پیدا کردن هنرمندان جوان که به انواع خطاطی به زبان عربی مشغول باشند و در اون مهارت دارن کار دشواری نیست، به خصوص اینکه ذوق و سلیقه این قشر، حتی سبک و هنرهای کلاسیک رو هم داره متحول میکنه. میدونیم که هنر خطاطی از همون سالهای ابتدایی بعد از تولد اسلام کاربرد داشته چرا که از اون بیشتر برای نوشتن کلام قرآن کریم استفاده میشده. متون خطاطی برای مقاصد مختلف دیگه‌ای هم مثل نوشتن شعر، اوراق رسمی و احکام سلطنتی هم استفاده میشدن. در طول سالیان دراز، هنر خطاطی با جنبه‌های گوناگونی در معماری و طرح‌های گل و گیاهان و منابع طبیعی مثل چوب و حتی سنگ در زمان‌های مختلف ترکیب شد و توسعه پیدا کرد. بعضی از اونها باقی موندن و بعضی دیگرسون از بین رفتن. خط کوفی یکی از سخت‌ترین انواع سبک در خطاطی هست و البته یکی از خطاطان جوان آسیایی ثابت کرده که این سبک به اون سختی که فرض میشده هم نیست.





یوسف یحیی یک دانشجوی ارشد معماری در دانشگاه‌ست که با عشق به خطاطی با دشواری‌های رشته‌ی تحصیلی‌اش مبارزه می‌کند. علاقه او به خطاطی در سال‌های کم سن و با تقلید از برادر بزرگ‌ترش شروع شد. برادری که در خطاطی ماهر بود اما به دلیل نداشتن ابزار لازم و حمایت، پیشبرد کارش دشوار بود. سال‌ها بعد، به دنبال ثبت‌نام در رشته معماری دانشگاه طراحی، محیط این مرد جوان، ارتباط فراموش شده‌ی بین طرح‌های هندسی معماری و خطاطی کوفی رو پیدا می‌کند؛ چرا که هر دوی این‌ها به فرم‌های ویژه‌ای بر می‌گشتند.

یوسف بر این باوره که تجربه، بهترین الهام بخش و معلم هستش و درباره هنر گفته که: "آغاز هر کاری چالش برانگیزه. اولین چالش این بود که منابع و مراجعی که به من بنیان کار رو یاد بده پیدا نمی‌کردم. منبع اصلی من، کارهای بصری پیشگامان هنر کوفی بود. من شروع به بررسی و تحلیل اون‌ها کردم و در نهایت نتیجه‌گیری من اون چیزی بود که از اون‌ها یاد گرفتم".

یوسف یحیی، کار خودش رو در آخرین نمایشگاه Behance در جده به نمایش گذاشت و در بین تمام هنرمندان رتبه‌ی سوم رو بدست آورد. اون تصمیم به ادامه کاری هنری داره و تصمیم داره در آینده با طراح اماراتی جواهرات به نام بدور هاشم از طریق خطاطی کوفی، در طراحی الماس و جواهرات همکاری کنه. همین طور کاربرد مربع کوفی در طراحی مبلمان هم در حال پیشرفت و توسعه هست و این هنرمند در این سبک هم به فعالیت خودش ادامه میده. در مورد این هنرمند میشه گفت که معماری به اون کمک کرده تا عناصر رو راحت‌تر درک کنه و ترکیبات بی‌نظیر خلق کنه.



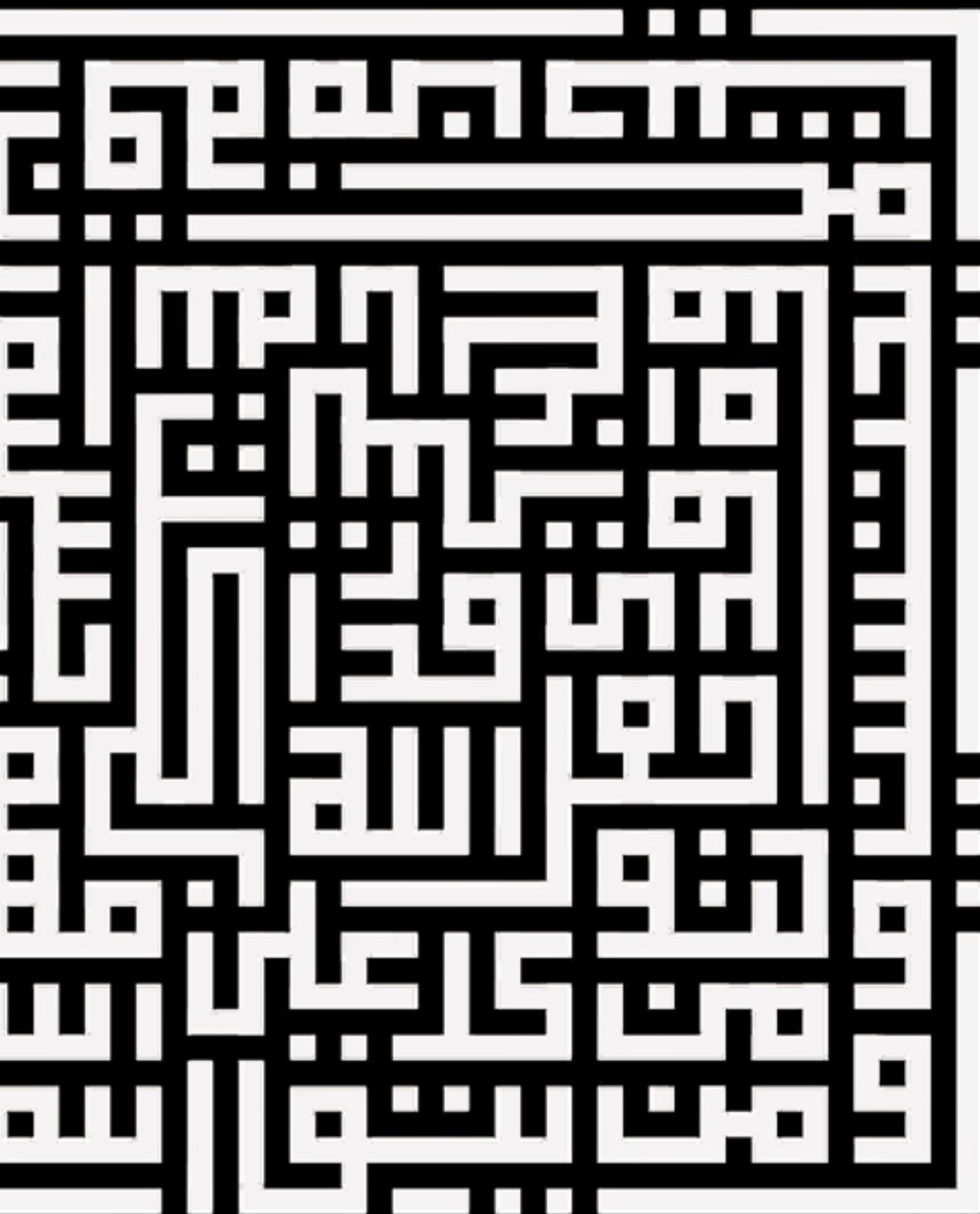


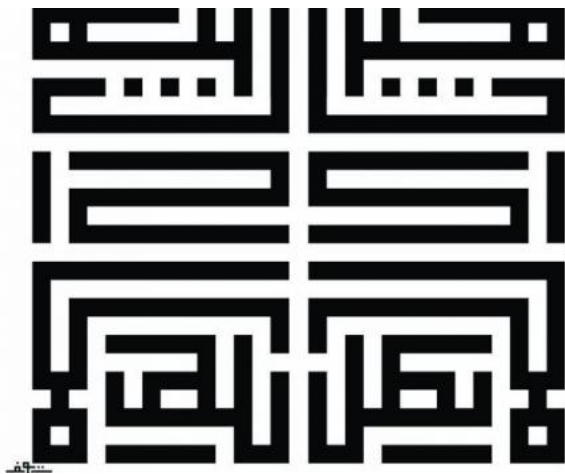


خطاطی، روح فرهنگ و تمدنه. مثل هر چیز دیگه‌ای در زندگی، زمان‌هایی هست که یک هنر خاص به فراموشی سپرده میشه. البته امروزه علاقه‌ی جهانی نسبت به خطاطی و توسعه‌ی اون وجود داره به شکلی که خدمت‌رسان کشورها و سازمان‌ها و جوان‌ها باشه. رابطه‌ی بین هنرمندِ خطاط و متنِ خطاطی شده، چیزی ورای یک تکه کاغذ هستش، این رابطه یک حالت ذهنی غیر قابل توضیح هست که خطاط و هنرِ خطاطی در اون زندگی می‌کنن.

خط کوفی همچنان از خط‌های متداول هست که به طور هندسی با پرگار و خط‌کش رسم میشه. این خط به برنامه‌ریزی دقیقی نیاز داره. خطاطان این خط همیشه بیشتر شبیه معمارانی بوده و هستن که طراحی، علامت‌گذاری و تزئین می‌کردن. وقتی که خطاط شروع به یادگیری هنر کوفی می‌کنه، نوشتن به سرعت و به راحتی جریان پیدا میکنه؛ اما آموزش و یادگیری اون سال‌ها طول میکشه تا خطاط به کمال برسه.







متن کوفی هم یکی از متون بسیار قدیمی به حساب میاد و مربع کوفی جدیدترین و ساده شده‌ترین نوع اون هست. مربع کوفی در هم تنیده با معماری هست. خطوط و اندازه‌ها لزومن به شکل خطوط متعادل خلق میشن. واژه‌ی "Murabba" (مربع)، چیدمانی ماهرانه رو به ذات مربع شکل، مکعب شکل یا شطرنجی اون دیکته می‌کنه. این خط به روانی متون با خط شکسته نیست اما طوری طراحی، چیده و ساخته شده تا با اشکالی خاص مطابقت داشته باشه. خطاط میتونه از هنرمندان تاریخی مختلف و شناخته شده‌ای الهام بگیره؛ مثل علی تووی از ترکیه، عبدالله زهدی که یک استاد معروف خطاطیه که برای خطاطی روی دیوارهای قبله‌ی مسجد پیامبر (ص) در مدینه معروف شده و همین طور مصطفی هالیم بزرگ. از استادان معاصر خطاطی که الهام بخش هستن میشه به ابراهیم ال عرافی اشاره کرد که خطاط مسجد مکه‌ی مکرمه هستش. خطاطان جوانی هم هستن که الهام‌بخش بودن نظیر محمد جمال الریبعی، پسر جمال ربعی و همینطور هنرمند معمار ناصر الریبعی.





Artist focus: Mohammad Shams; Photographer

”



محمد شمس؛ عکاس

الهام از دالی و کوبریک در خلق آثار خلاقانه عکاسی

تصاویری که هنرمند جوان، محمد شمس در زمینه عکاسی به ثبت رسونده، حاکی از خلاقیت و توانایی‌های ایشون در سبک‌های مختلف هنری هست. تصاویری که اکثر اونها سیاه سفید هستن و حتی در صورت حضور رنگ، این تصاویر ترکیب بندی ویژه خودشون رو حفظ میکنن. عکاسی برای محمد شمس تنها به معنای ثبت یک رویداد ساده نیست و بقول این هنرمند، میشه چیزهایی رو فراتر از یک نگاه ساده در عکاسی مشاهده کرد.

از دیدگاه این هنرمند، یک عکاس برای پیشبرد اهدافش، علاوه بر عکاسی باید با تمامی شاخه‌های هنری در ارتباط باشه و باید اعتماد رو جذب کنه و آثارش رو مورد توجه مخاطبین یعنی مردم قرار بده. محمد اعتقاد داره که یک عکاس باید اطلاعات تئوری خودش رو هم در زمینه‌های دیگه‌ای مثل اقتصاد، موسیقی و حتی سیاست افزایش بده، چون این موارد میتونن در خلق آثارش موثر باشن. الهام بخش آثار این هنرمند، سالوادور دالی و استنلی کوبریک هستن و تاثیرپذیری در آثار این هنرمند از سبک‌های سوررئالیسم و اکسپرسیونیسم مشهود هست.

مختصری درباره خودتون و حضور در دنیای عکاسی صحبت کنید...

▪ حضور من در عکاسی با کار مدلینگ آغاز شد. یکی از دوستانم که عکاس فشن بود، برای پروژه ای من رو مدل کار خودش کرد و در همون روزها و مواقع عکاسی بود که به هنر عکاسی علاقمند شدم. از اون جهت که به هنر بسیار علاقه داشتم، به خصوص سینما و عکاسی، در دانشگاه رشته تحصیلی رو هم عکاسی انتخاب کردم تا بتونم از دیدگاه آکادمیک با عکاسی آشنا بشم و به اهدافم نزدیکتر بشم.

عکاسی برای من تنها ثبت ساده یک رویداد نیست، عکاسی دنیایی هستش که می‌تونیم چیزهایی فراتر از یک نگاه ساده رو در اون ببینیم و فکر کنیم. به واقع می‌تونم بگم از زمانی که عکاسی رو به زندگیم الحاق کردم، در تمامی مسائل، نگاهم به دنیا تغییر کرد. از زمانی که عکاسی رو جدی‌تر شروع کردم، قدرت تجسم بیشتری برای یافتن سوژه‌ها، حتی در نوشتن هم پیدا کردم. این تجربه در تمامی جزئیات زندگی می‌تونه نگاهی پر از خلاقیت رو به همراه داشته باشه.



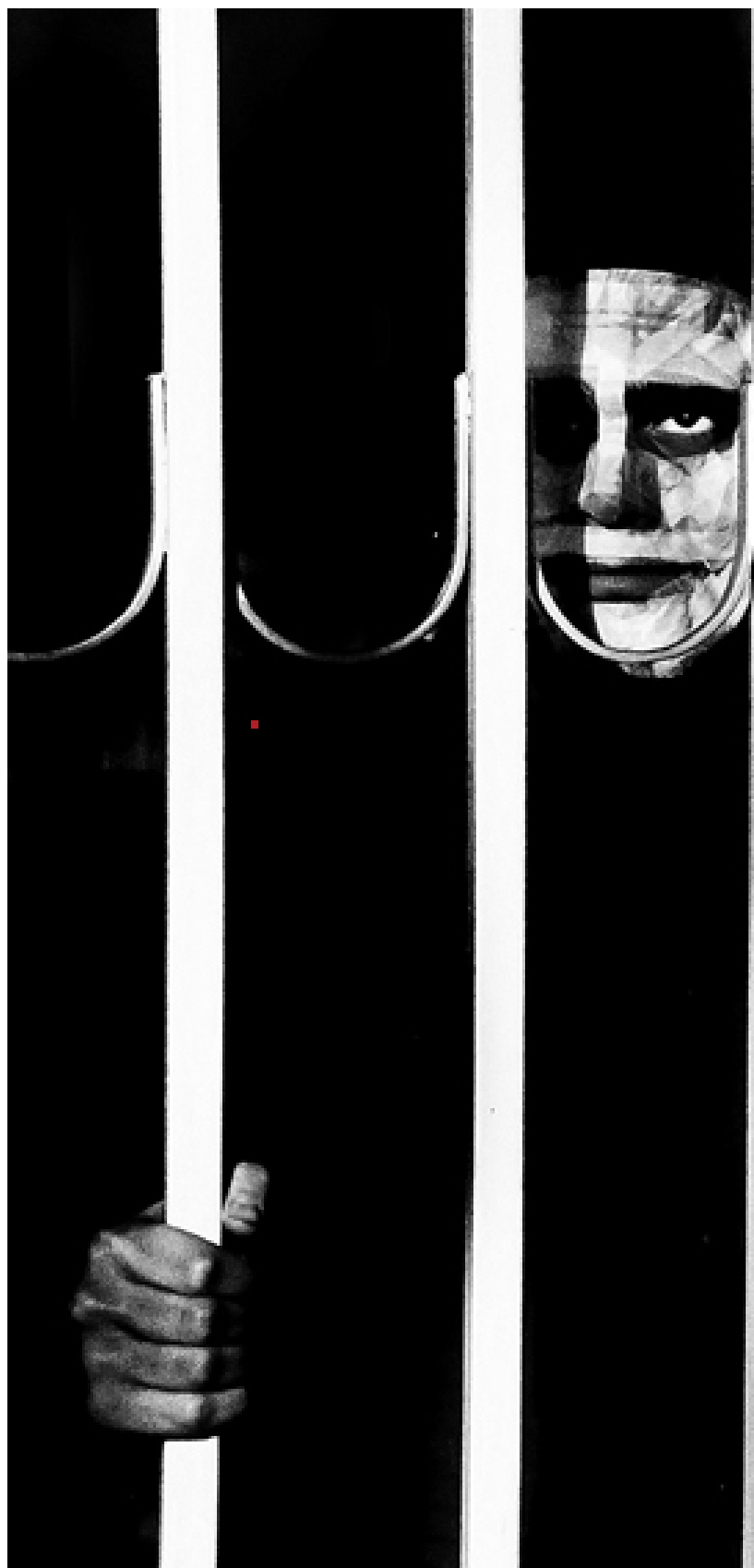


در عکاسی از چه سبکی پیروی میکنید و چه افرادی تونستن بر روی سبک و آثار شما تاثیر گذار باشن؟

■ عمدتاً کارهام سبک سورئالیسم داره و به شدت به طبیعت‌گریزی گرایش دارم و کم پیش میاد عکاسی مستند انجام بدم. الهام‌بخش کارهام رو میتونم سالوادور دالی و استنلی کوپرلیک بدونم. زمانی که فیلم‌های کوپرلیک رو نگاه می‌کنم اون رو به برش‌های یک عکس تجزیه می‌کنم و هر لحظه‌ای که احساس کنم بهترین ترکیب‌بندی و دید عکاسانه رو داره، توقف می‌کنم و اون رو در ذهن خودم تحلیل و شبیه‌سازی می‌کنم.

علاوه بر سورئالیسم، سبک اکسپرسیونیسم هم بی‌تاثیر بر آثارم نبوده. گاهی به تنهایی از اکسپرسیونیسم بهره می‌گیرم و اکثر مواقع ترکیبی از این سبک به همراه سورئال.

اکسپرسیونیسم یا هیجان‌گرایی در ذهن من به یک شخصیت مستقل تبدیل شده. از ترکیب عناصر با همدیگه و تبدیل اون‌ها به سوژه‌های هنری، هیجانات درونی جامعه یا هنجارها رو به نمایش می‌گذارم و همونطور که در آثارم مشاهده کردید، سیاه‌سفید بودن، اثر بسیاری بر ایفای نقش این مسئله بروی من داشته.



به نظر شما چه عواملی باعث میشه تا یک عکاس از هنر عکاسی فاصله بگیره و یا اونقدر به اون نزدیک بشه که عکاسی رو جزئی از خودش بدونه...

■ عواملی که یک عکاس و یا هنرمند رو از هنرش دور میکنه، محدودیت انجام کار مثل محدودیت فرهنگی و غیره میتونه باشه. سرکوب کردن هنر توسط مردم عوام باعث کم اشتیاق شدن یک هنرمند به فعالیتش میشه. هنر در ایران، در برخی موارد، از جایگاه پایینی برخورداره؛ در صورتی که تمام اطراف ما رو هنر فرا گرفته ولی اوضاع به گونه‌ای هست که گاهن هنر کمتر دیده میشه. جامعه همیشه تاثیر مستقیم در آثار هنرمند داشته. اگر به تاریخ هنر نگاه کنیم متوجه میشیم که با جنگ‌ها و تغییرات داخلی و حتی اقتصادی، سبک‌های مختلفی خلق شدن و همزمان این مسئله با تغییر در نگاه هنرمند همراه بوده و هست.

همچنین یک عکاس همیشه سعی بر اون داشته تا در نگاه جامعه باشه. زمانیکه هنرمند از سمت جامعه پذیرفته میشه، مسئولیت خودش رو بیشتر میبینه و انگار وظیفه‌اش سنگین‌تر شده. درک کردن هنرمند سبب میشه تا عکاس، عکس‌ها رو با چشم دل ثبت کنه نه یک نگاه ساده و این، همون وظیفه‌ی خطیر هنرمند عکاس به حساب میاد.

من به نوبه‌ی خودم، زمانی به عکاسی نزدیک‌تر میشم که احساس رضایت درونی داشته باشم. به نظرم اعتماد به نفس برای یک هنرمند و اینکه به خود و شخصیت خودش بها بده، یکی از موارد اصولی هست.





دلیل انتخاب سیاه و سفید بودن اکثر آثارتون چیست و چه زمان‌هایی اونها رو رنگی خلق می‌کنید؟

■ یکی از اصلی‌ترین دلایل، توجه به بطن و ماهیت درونی آثاره. محتوای اثر همیشه برای من مهمترین چیز بوده. در ذهنم همیشه در تلاش بودم تا آثارم محتوای خودشون رو به تنهایی و بدون هر گونه نمادی بیان کنن. همیشه احساس کردم رنگ معنایی دیگه رو به کار می‌ده یا بهتره بگم معنایی دیگه. همه‌ی ما ذهن‌های متفاوتی داریم و رنگ‌ها هم در این ذهن‌ها، معانی مختلف رو با خودشون به همراه دارن. سعی کردم تا کانسپت و محتوای اثر، بدون رنگ و با خلوص خودش به نگاه دیگران بشینه. گهگاهی که احساس کنم رنگ میتونه به ترکیب عکس کمک کنه، از اون کمک می‌گیرم؛ به این معنا که رنگ رو باز هم برای کمک به ترکیب بندی به کار می‌برم تا محتوا.

یک عکاس برای پیشبرد اهدافش چه اقداماتی رو باید انجام بده؟

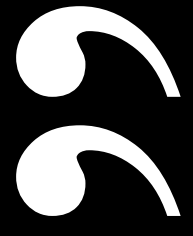
■ یک عکاس هنرمند برای پیشبرد اهدافش نه تنها با عکاسی، بلکه باید با تمامی شاخه‌های هنری در ارتباط باشه. همونطور که می‌دونید، عکاس، به نحوی نماینده مردم و با جامعه در ارتباط تنگاتنگی هست. اون باید اعتماد رو جذب کنه تا این ارتباط دو جانبه باشه و آثارش مورد توجه مخاطبین که همون مردم هستن قرار بگیره. خانواده یکی از مهمترین و امن‌ترین مکانهایی هست که میتونه ذهن عکاس رو گسترش بده. در این بین، قطعن بقیه هنرمندان نقش به‌سزایی در شکل‌گیری آثار دارن. تاریخ هنر یکی از بزرگترین الگوهای هنرمندانه. در طول تاریخ، آثار هنرمندان مختلفی به ثبت رسیده. بارها برای خودم پیش اومده که با نگاهی به یک اثر در سالها پیش، یا حتی شنیدن یک موسیقی و یا خوندن یک بیت شعر، یک نقطه در ذهنم روشن شده و به دنبال اون، عکسی رو به ثبت رسوندم. یک عکاس درکنار فعالیت عکاسیش، باید اطلاعات تئوری خودش رو هم در زمینه‌های دیگه جامعه افزایش بده. اقتصاد، سیاست، موسیقی و سایر موارد، قطعن بی‌تاثیر در خلق آثارش نیستن. در انتها این مسئله رو ذکر می‌کنم که یک عکاس برای پیشبرد اهدافش باید تفاوت دیدن و نگریستن رو بدون و چیزهایی رو که دیگران از دیدن اونها محروم هستن رو با چشم دل به ثبت برسونه.







Packaging: Bzzz... Honey Packaging

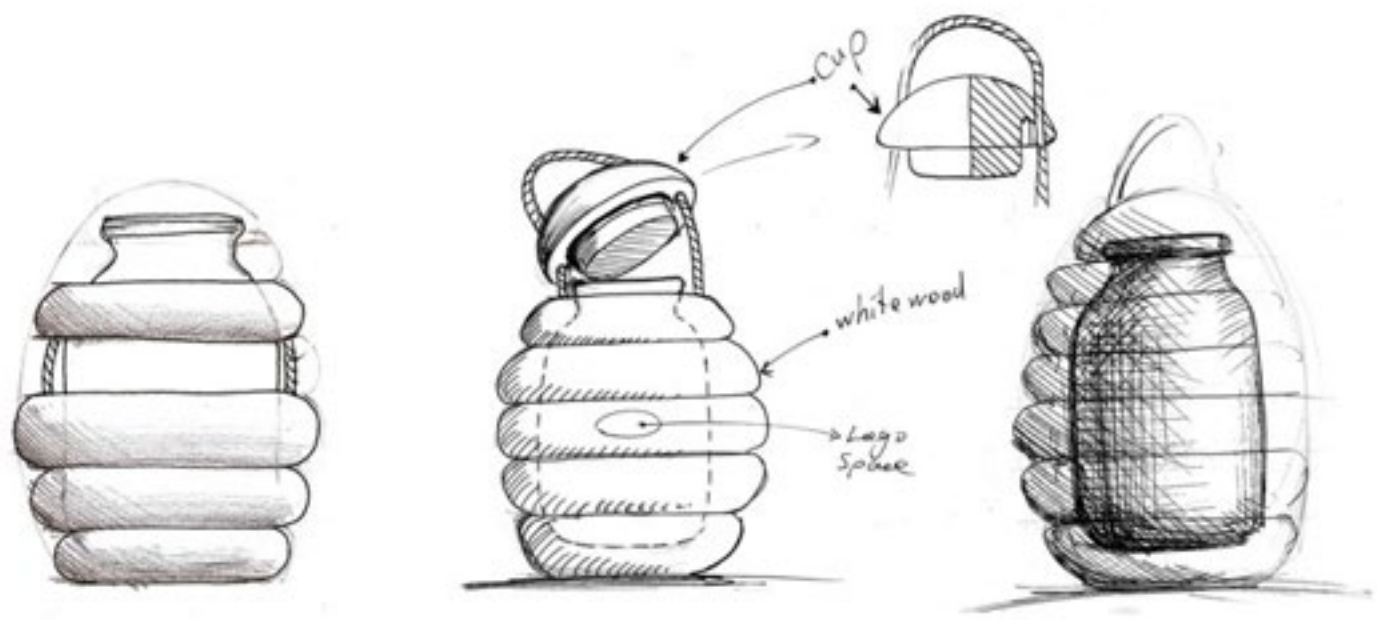


BZZZ HONEY

بسته‌بندی: عدس طبیعی

الهام گرفتن از طبیعت در طراحی بسته‌بندی عدس

■ عدس؛ یکی از خوشمزه‌ترین و مقوی‌ترین خوردنی‌های جهان که همیشه بسته‌بندی تکراری چند ضلعی و خمره‌ای مشخصی رو داشته. اما اینبار در یک پروژه خاص، دیدگاهی جدید برای این محصول معرفی شد تا جایزه بهترین بسته‌بندی خلاقانه رو نصیب شرکتی تبلیغاتی کنه. الهام‌گرفتن از طبیعت برای ساخت یک کندو به عنوان بسته‌بندی و بالابردن سطح فروش یک محصول، از مواردی هست که در کمپین تبلیغاتی بدرستی ایجاد و اجرا شده.



BZZZ

HONEY



گروه طراحی بسته‌بندی، به دلایل زیادی خیلی به این پروژه افتخار میکنند؛ نه تنها به این خاطر که تونستن جوایز بسیاری در زمینه‌ی طراحی و تبلیغات رو نصیب خودشون کنن، بلکه به این دلیل لذت‌بخش شد که هنوز بازخوردهای مثبتی از سراسر دنیا به گروه ارسال میشه.

بنگاه طراحی چند رشته‌ای بک‌بون، -branding backbone- در شهر ایروان ارمنستان واقع شده. طراحان این شرکت علاوه بر طراحی لوگو، وظیفه‌ی طراحی بسته‌بندی محصولات عسل کارفرما رو هم به عهده داشتن.

این طراحان با الهام از طبیعت، تصمیم گرفتن تا شیشه‌ی عسل رو درون یک سازه‌ی چوبی برگرفته شده از کندوی عسل قرار بدن. این تفکر با سیاست‌های شرکت تولیدکننده‌ی عسل نیز هم‌سو بود، به دلیل اینکه الهام از طبیعت در طراحی بسته‌بندی، طبیعی بودن محصول رو بیشتر به خریدار القا میکرد.

در کل میشه از این پروژه به عنوان یک پروژه‌ی طراحی و گرافیکی موفق در زمینه‌ی برندینگ و بسته‌بندی نام برد.







بعد از طراحی موفق بسته‌بندی عسل و بالاتر رفتن فروش محصول، شرکت طراحی‌کننده جوایزی رو مثل بهترین بسته‌بندی و خلاقانه‌ترین ایده بدست آورد. مدیر این مجموعه درباره خلاقیت و ایده‌پردازی همکاران و خروجی آثار از بنگاه خودش اینطور بیان کرده که: "ما مثل هیچ موسسه‌ی طراحی یا استودیو تبلیغاتی دیگه‌ای نیستیم. بله، ما آثاری خلاقانه در سطح جهانی خلق می‌کنیم که تا به امروز تونستن افتخار و تحسین بین‌المللی رو برامون به ارمغان بیارن. اما تمام اینها هنوز برامون کافی نیست. ما در پی خلاقیتی زیرکانه هستیم. مهم‌ترین چیز برای ما اینه که طراحی که برای مشتری‌هامون انجام میدیم، باعث ایجاد تغییر در برند اونها و پیشرفت قابل توجهی در بازار رقابتیش بشه. ما علاوه بر اینکه میخوایم حس خوبی بعد از طراحی داشته باشیم، ارتقای شرایط اون محصول یا کمپانی در عرصه‌ی فعالیتش رو هم میخوایم. این هدف خود به خود پیش نیامد. اقدام به ایجاد تغییر در کارها شجاعت بالایی لازمه. اگر جرات انجام کارهای عجیب رو دارین، مطمئن باشین از سفارشهای محلی خارج و به کشورهای دیگه متصل میشین.







همه چاپ میکنند، اما...

همه ناظر چاپ حرفه ای ندارند

تنظیم پروفایل، اصلاح رنگ سند
خروجی تفکیکی، کنترل کیفی

آفست، رول

روزنامه، مجله، کتاب، کاتالوگ، بروشور

۳۱۹۲ ۶۶۷۸

آرتمان استودیو



Artiman Studio
media & advertising agency

OUR IDEAS MAKE

THE DIFFERENCE ”



PANART

PANART, Visual Arts Magazine



“THE BESTS ARE WITH US”



Reza Alee
Manager at Panart

Panart is an international visual arts’ digital magazine that is published every month in two offline versions (animation turnable pages and PDF adapted with Mac, Android, and Windows) in English and Persian under direction of its founder, Mr. Reza Aali.

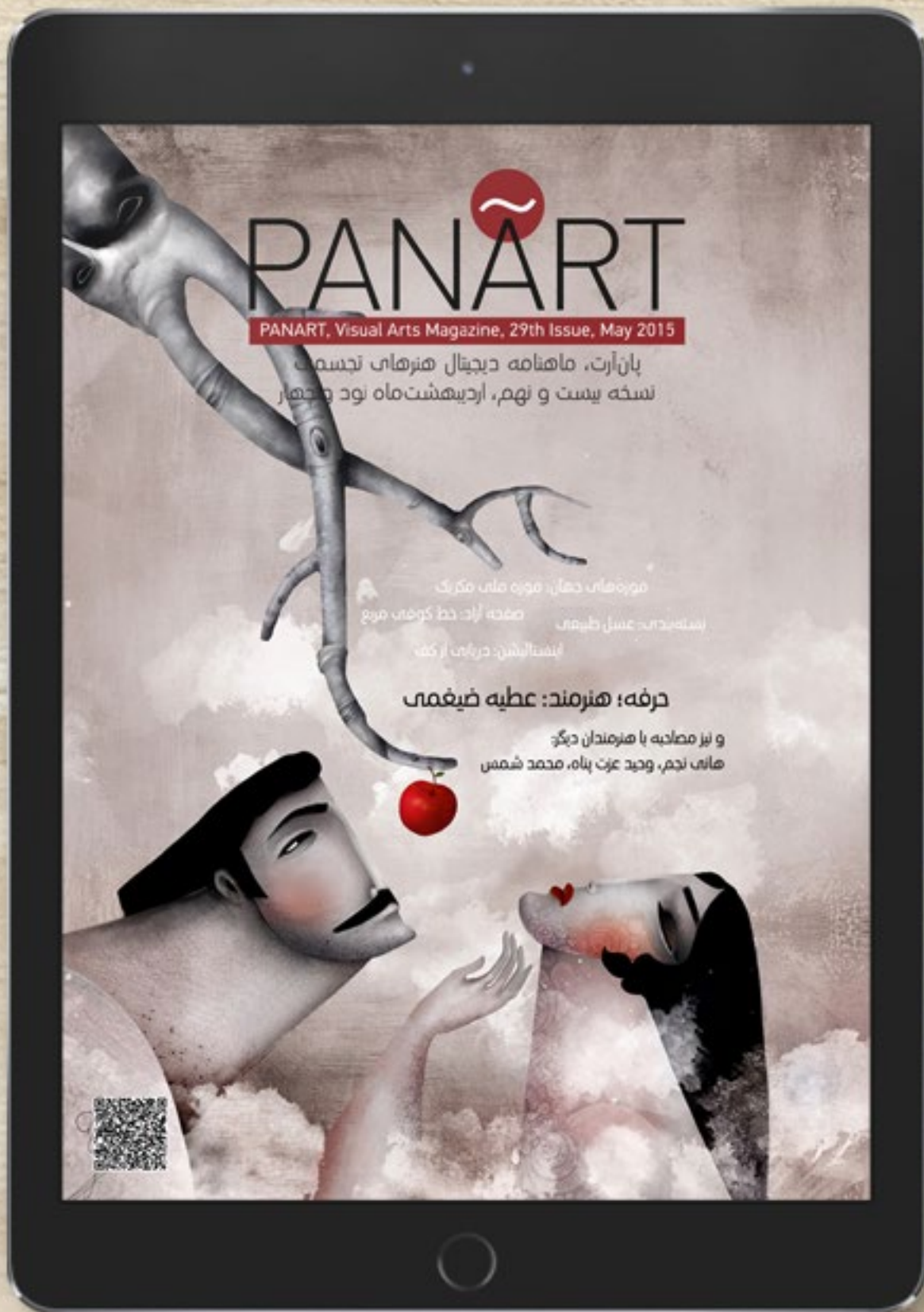
Introduction of unknown artists with suitable works from around the world is **Panart’s** primary goal. Presenting artistic articles and reports in high levels of art and world’s most recent news, introduction of art books and magazines from around the world, interviewing the artists, introduction of unknown artists are other goals of **Panart**.

Panart group tries its best to show the best works of Persian and foreign artists. As our slogan is “*the bests are with us*”, we have always tried to present the bests in order to develop the culture of visual arts. **Panart** magazine has its active subscribers in France, Italy, Mexico, America, Spain, Turkey, and Libya in addition to Persia.

f Panartmagazine

@Panartmagazine

+Panartmagazine



AYS A BLANK
WHERE WAITING
TIST TO DO
G WITH IT.

mag.com

InPrint
Inspiring Artists

te on demand.
t your copy today!

**THERE IS ALWAYS
CANVAS SOMEWHERE
FOR AN ARTIST
SOMETHING**

inprint-m



MagCloud

Purchase your InPrint Magazine on MagCloud website.
Rich colors and affordable prices. Don't miss out, get
magcloud.com/browse/magazine/354769



دیابت می تواند به پاهای شما آسیب برساند |
Diabetes can damage your legs